

تفکر انتقادی، سبک‌های هویت و تعهد هویت در نوجوانان: ارائه یک مدل علی

Critical thinking, identity styles, and commitment among adolescents: A causal model

Elaheh Hejazi, Ph.D.

Somaeh Borjalilu, M.A.

دکتر الهه حجازی*

سمیه برجعلی‌لو**

چکیده

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of critical thinking dispositions on identity commitment through the mediating role of identity processing orientation (informational, normative, diffuse-avoidant). For this reason 400 high school students (200 girls, 200 boys) who were chosen randomly completed 2 scales: California Critical Thinking Disposition Inventory (CCTDI; Peter Facione, Noren Facione & Giancarlo, 2001) and Identity Styles Inventory (ISI; Berzonsky, 1989). The data from path analysis indicated that, factors of critical thinking via mediating the informational and normative and diffuse-avoidant identity styles had an indirect effect on commitment. Truth seeking, systematic and analytical orientation via informational style and systematic and analytical orientation through normative style had an effect on commitment. Critical thinking had a direct and negative effect on diffuse-avoidant identity. The results confirmed our conceptual model.

Keywords: critical thinking disposition, identity style, commitment, path analysis

این مطالعه با هدف بررسی رابطه مؤلفه‌های تمایلات تفکر انتقادی با تعهد هویت به واسطه سبک‌های پردازش هویت (سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری و سبک هویت مغشوش-اجتنابی) انجام شد. به همین منظور ۴۰۰ دانش‌آموز پایه سوم رشته ریاضی-فیزیک (۲۰۰ دختر، ۲۰۰ پسر) به‌طور تصادفی از میان دبیرستان‌های دولتی شهر تهران انتخاب شدند و به پرسشنامه تمایلات تفکر انتقادی کالیفرنیا (CCTDI؛ پیتر فشیون، نورن فشیون و گانکرلو، ۲۰۰۱) و مقیاس سبک‌های پردازش هویت (ISI؛ برزونسکی، ۱۹۸۹) پاسخ دادند. یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر نشان داد که مؤلفه‌های تفکر انتقادی به واسطه متغیر سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و مغشوش-اجتنابی اثر غیرمستقیم بر تعهد هویت دارند. متغیرهای جستجوگری حقایق، نظام‌مندی و تحلیل‌گری به واسطه سبک هویت اطلاعاتی و متغیرهای نظام‌مندی و تحلیل‌گری با واسطه سبک هویت هنجاری تأثیر غیرمستقیم و مثبت بر تعهد هویت داشتند. از میان مؤلفه‌های تفکر انتقادی، تحلیل‌گری اثر مستقیم و منفی بر سبک هویت مغشوش-اجتنابی داشت. به این ترتیب نقش واسطه‌ای سبک‌های پردازش هویت در رابطه میان مؤلفه‌های تفکر انتقادی و تعهد هویت تأیید شد.

واژه‌های کلیدی: تمایل تفکر انتقادی، سبک هویت، تعهد هویت، تحلیل مسیر

* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

و تحلیل ماهرانه جسورانه می‌نامد. از نظر لیپمن^۸ (۱۹۹۱)؛ به نقل از بیر^۹ (۱۹۸۵) تفکر انتقادی، تفکر ماهرانه و مسئولانه است، که با اتکاء بر معیارهای خود اصلاح‌گر و حساس به زمینه، موجب تسهیل قضاوت منطقی می‌شود. جان دیوئی (۱۹۳۳)؛ به نقل از فیشر، (۲۰۰۲) از تفکر انتقادی با نام تفکر تأملی یاد کرده است. وی بیان می‌دارد که در نظر گرفتن یک عقیده یا یک فرض از علم با دقت و پافشاری کردن در مورد آن برای روشن کردن فرضیه‌ای که از آن حمایت می‌شود و بعدها نتایج به سوی آن تمایل دارد، نوعی تفکر تأملی است.

انیس، پل، مک‌پک و لیپمن (۱۹۹۱)؛ به نقل از پل^{۱۰} (۱۹۹۳) معتقدند که حداقل دو عنصر در تفکر انتقادی اساسی است. اولین عنصر بررسی و ارزیابی دلایلی می‌باشد که مستلزم مهارت‌های لازم برای درک درست و ارزیابی دلایل و ادعاهاست. عنصر دیگر روحیه انتقادی است که شامل آمادگی‌ها، نگرش‌ها، خصوصیات ذهنی و صفات شخصی می‌باشد. بنابراین تفکر انتقادی دارای مهارت‌ها و توانایی‌هایی است. مهارت‌های تفکر انتقادی که به عنوان هسته اصلی این تفکر مورد توجه است، عبارتند از: تحلیل‌گری^{۱۱}، استدلال^{۱۲}، تبیین و توجیه^{۱۳}، ارزیابی^{۱۴}، خودتنظیمی^{۱۵} و تفسیر^{۱۶}. با استفاده از مهارت‌های فوق به طبقه‌بندی معانی مختلف می‌پردازیم. شایستگی تجارب و اظهارات را ارزیابی کرده و سپس مفاهیم، استدلال‌ها و ملاک‌ها را توصیف و تبیین می‌کنیم. تبیین‌ها با توجه به بافت انجام می‌شود و افراد با تفکر انتقادی از طریق خودنظم‌دهی به کنترل فعالیت شناختی خویش می‌پردازند. از سوی دیگر تمایلات^{۱۷} و گرایش‌ها در تفکر انتقادی اشاره به تمایل و خواسته‌های افراد به تفکر انتقادی دارد. گرایش برای به‌کارگیری تفکر انتقادی، یکی از حیثه‌های شخصیت است. گرایش‌های تفکر انتقادی بر اساس انگیزه درونی صورت می‌گیرد. پژوهش‌گران این حوزه هفت گرایش عمده تفکر انتقادی را جستجوگری حقایق^{۱۸}،

تربیت انسان‌های صاحب اندیشه باید نخستین هدف تعلیم و تربیت باشد. پل^۱ (۱۹۸۷) محصول نهایی تعلیم و تربیت را پرورش ذهن کاوش‌گر افراد می‌داند. دانش‌آموزان، به جای کسب حقایق علمی باید به روش‌های جستجوی اطلاعات علمی توجه کنند و به جای انباشتن اطلاعات علمی در ذهن، بیاموزند که چگونه بیندیشند، تصمیم بگیرند و درباره امور مختلف قضاوت کنند. از این طریق بیشتر به ماهیت انسانی خویش نزدیک می‌شوند و در جهت ساختن هویت خود حرکت می‌کنند.

تفکر^۲ در معنای وسیع کلمه به معنای جستجوی شعور و آگاهی است. شعوری که معطوف به دستیابی معرفت موجود، ارزشیابی آن و نیز معطوف به تولید معرفت جدید فرایند تفکر است، فرایندی که عناصر و کارکردهای مختلفی دارد. از تعامل عناصر مختلف و ترکیب کارکردهای متفاوت، عناصری در ذهن شکل می‌گیرد که "تفکر" نامیده می‌شود (شعبانی، ۱۳۸۲).

در ارتباط با تفکر دیدگاه‌های مختلف وجود دارد و متخصصین هر یک نظرات خاصی در مورد چگونگی آن ارائه داده‌اند. یکی از این دیدگاه‌ها اشاره به این موضوع دارد که تفکر امری واحد نیست زیرا دارای ابعاد، انواع و ماهیت‌های متفاوتی است و به شکل‌های مختلف بروز می‌کند. در این دیدگاه ابعاد و انواع تفکر دارای اهمیت است و به اجزاء مختلفی تقسیم می‌شود که عبارتند از: تفکر شهودی، تفکر تحلیلی، تفکر منطقی، تفکر خلاق و تفکر انتقادی (مارینوز، رنکین، سومیوز و برنت، ۱۳۸۰/۱۹۸۶).

همان‌طور که مطرح شد تفکر انتقادی^۳ یکی از جوانب تفکر است. انیس^۴ (۱۹۸۷)، تفکر انتقادی را تفکر تأملی و عقلانی می‌داند که بر اساس آن به تصمیم‌گیری در مورد اعتقادات و اعمالی که انجام می‌دهیم، می‌پردازیم. تفکر هنگامی عقلانی است که متفکر بکوشد مباحث را به دقت تجزیه و تحلیل کند، شواهد و مدارک معتبر را جستجو کند و به نتیجه نهایی، درست و معقول برسد (فیشر^۵، ۲۰۰۲). اسمیت^۶ (۱۹۷۵)؛ به نقل از بروک فیلد^۷ (۱۹۸۷) تفکر انتقادی را توان تمیز میان تعصب و سوگیری در استدلال و تمایل به بیان حقیقت ذکر می‌کند و آن را تفکر تجزیه

8. Lipman, S.
9. Beyer, K.
10. Paul, R.
11. analytic
12. inference
13. explanation
14. evaluation
15. self-regulation
16. interpretation
17. disposition
18. truth seeking

1. Paul, R.
2. thinking
3. critical thinking
4. Ennis, R. H.
5. Fisher, A.
6. Smith, L.
7. Brookfield, S.

آزاداندیشی^۱، تحلیل‌گری^۲، نظام‌مندی^۳، اعتماد به تفکر انتقادی انتقادی خود^۴، کنجکاوی^۵ و رشد قضاوت^۶ می‌دانند (فشیون^۷، ۲۰۰۱). افراد با گرایش‌های تفکر انتقادی تمایل به جستجوگری حقایق داشته، شجاعت پرسیدن مسائل مختلف را دارند، همچنین نسبت به شناخت طیف وسیعی از مسائل کنجکاو و در برابر عقاید مختلف صبور هستند و با شکیبایی به شنیدن و درک آن‌ها می‌پردازند؛ این افراد ضمن تحلیل و بررسی هوشیارانه مسائل، تمایل به سازمان‌دهی و نظم‌دهی جستجوهای خویش دارند. افراد در این سطح به توانایی خود اطمینان دارند و بر اساس حقایق و یافته‌های موثق و مستند به قضاوت می‌پردازند (فشیون و فشیون، ۲۰۰۷).

ویلیام پری (۱۹۷۰؛ به نقل از مایرز، ۱۳۸۳/۱۹۴۲) در مورد مراحل رشد تفکر انتقادی چهار مرحله را مورد نظر قرار می‌دهد:

۱- ثنویت: در این مرحله افراد جهان را به دو قسمت خوب و بد تقسیم می‌کنند.

۲- تعدد: بدین ترتیب افراد می‌دانند که در مورد راه حل مسائل و مشکلات یقینی در کار نیست و در این صورت تنوع عقاید و ارزش‌ها به وجود می‌آید.

۳- نسبی‌گرایی: در این زمینه افراد می‌پذیرند که زمینه‌ها و نظرات متفاوت وجود دارد و بافت مسأله به تعیین راه حل کمک می‌کند.

۴- تعهد: به رغم نسبی‌گرایی و پیچیدگی در حال رشد، افراد آگاهانه ارزش‌هایی را انتخاب می‌کنند و مسئولیت انتخاب خود را می‌پذیرند. مرحله انتقال از "ثنویت" به "تعهد" مرحله رشد در تفکر انتقادی است.

کرتینز^۸ (۲۰۰۲؛ به نقل از شوارتز^۹ و کرتینز، ۲۰۰۵) عمده‌ترین مهارت‌های حل مسأله را خلاقیت، به تعلیق^{۱۰} درآوردن قضاوت و ارزیابی انتقادی^{۱۱} می‌داند. کرتینز در دیدگاه

"هم‌ساخت‌گرایی"^{۱۲} خویش مطرح می‌کند که افراد فعالانه از میان شقوق مختلف هویت، یکی را بر می‌گزینند و در برابر انتخاب خود و نتایج آن مسئولیت دارند؛ بنابراین، افراد ایجاد کننده تحول خویشتن هستند. انتخاب گزینه‌های زندگی و کشف راه‌های آسان و اثربخش نیاز به استفاده از مهارت‌های حل مسأله دارد. مهارت‌های حل مسأله از دیدگاه وی دلالت بر توانایی اجتناب از تصمیم‌گیری‌های سریع، ارزیابی‌ها و قضاوت‌های شتاب‌زده دارد. به این ترتیب، افراد با استفاده از خلاقیت قادر به ایجاد راه‌حل‌های متنوع در زمینه مسائل متفاوت شده و از طریق ارزیابی انتقادی قادر به پرسش‌گری و بررسی انواع مختلف راه‌حل‌ها می‌شوند و پس از بررسی هر یک از عناصر دست به انتخاب می‌زنند (برمن^{۱۳}، شوارتز و کرتینز، ۲۰۰۲). کرتینز معتقد است که همه افراد سالم قادر به ایجاد هویت انتقادی در دوره بزرگسالی هستند. هویت انتقادی وابسته به ایجاد مهارت‌های انتقادی در افراد است.

اریکسون^{۱۴} (۱۹۶۳) هویت^{۱۵} را احساس نسبتاً پایدار از یگانگی یگانگی خود تعریف می‌کند. به این ترتیب، علی‌رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت فرد از خود همواره مشابه است. این احساس که "ما چه کسی هستیم" باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند، نسبتاً هم‌خوان باشد.

برزونسکی^{۱۶} (۲۰۰۴) هویت را "خود ساخته شده"^{۱۷} می‌نامد. نظریه خود، شامل فرضیات، اصول و سازه‌هایی است که در تعامل با محیط و جهان ساخته می‌شود و چارچوب ارجاعی برای فرایند تحلیل اطلاعات متغیر در ارتباط با هویت به وجود می‌آورد. هویت از دیدگاه وی همانند چارچوب شخصی محسوب می‌شود که به منزله منبعی برای تفسیر تجارب، مورد استفاده قرار می‌گیرد. برزونسکی برای مطالعه شباهت و یا تفاوت افراد در شکل‌دهی فرایند هویت سه سبک هویت را شناسایی کرده است؛ سبک‌ها به راهبرد حل مسأله یا مکانیزم مقابله برمی‌گردند. این سبک‌ها عبارتند از: سبک هویت اطلاعاتی^{۱۸}، سبک هویت هنجاری^{۱۹} و سبک هویت مغشوش - اجتنابی^{۲۰}. افراد با سبک هویت اطلاعاتی،

1. open-mindedness
2. analyticity
۳. systematicity
۴. critical thinking self-confidence
۵. inquisitiveness
۶. maturity of judgment
7. Facione, P.
8. Kurtines, W.
9. Schwartz, S.
10. suspension
11. critical evaluation

12. co-constructivist
13. Berman, A.
14. Erikson, E.
15. identity
16. Berzonsky, M.
17. self-constructed
18. informational style
19. normative style
20. diffuse avoidant style

و گزینه‌های مختلف افزایش یافت و همین امر موجب ارتقاء سبک هویت اطلاعاتی در آن‌ها و کاهش سبک هویت اجتنابی شد.

سوننس، دیوریز و گوسنز^۴ (۲۰۰۵) نشان دادند که افراد با سبک هویت اطلاعاتی دارای پیچیدگی شناختی، تفکر لیبرال و توانایی درک دیدگاه‌های دیگران هستند. این افراد به صورت فعال در جستجوی اطلاعات مرتبط به خود بوده و به آزمودن سازه‌های مربوط به خود و انطباق دیدگاه‌های خویش با توجه به بازخوردهای ناهماهنگ می‌پردازند (برزونسکی و سولیوان^۵، ۱۹۹۲). ولی افراد با سبک هویت هنجاری دارای تمایلات جزمی و محافظه‌کاری فرهنگی هستند (سوننس، دیوریز و گوسنز، ۲۰۰۵)؛ این افراد نسبت به بازخوردهایی که موجب تغییر در دیدگاه‌هایشان می‌شود مقاومت می‌کنند (برزونسکی و سولیوان، ۱۹۹۲). با توجه به مطالب اشاره شده هدف این مطالعه بررسی رابطه میان تفکر انتقادی، سبک‌های پردازش هویت و تعهد هویت در چارچوب یک مدل علی است.

پژوهش حاضر بر اساس یک مدل مفهومی طراحی شده است. به این ترتیب که تفکر انتقادی و سبک‌های پردازش هویت هر دو دارای ماهیت فرایندی و شناختی-اجتماعی هستند. همان‌طور که بیان شد تفکر انتقادی، از دو عنصر مهارت‌ها و گرایش‌ها تشکیل شده است. گرایش‌های تفکر انتقادی اشاره به تمایل افراد در به‌کارگیری تفکر انتقادی دارد و یکی از حیطه‌های شخصیت محسوب می‌شود. بر اساس نظر سیمپسون و کورتنی^۶ (۲۰۰۲) افراد با تفکر انتقادی برای بررسی صحت و درستی دلیل یک مطلب، اطلاعات را جمع‌آوری کرده و توانایی ارزیابی آن را دارند. بنابراین کلید اصلی تفکر انتقادی قضاوت هدفمند و تنظیم اطلاعات جهت تفسیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط است.

برزونسکی (۱۹۹۰) هویت را نظریه "خود ساخته شده" معرفی می‌کند. این نظریه مجموعه‌ای از ساختارهای مفهومی است که از پیش‌فرض‌ها، اصول و سازه‌های مرتبط در جهت چگونگی تعامل فرد با محیط ساخته می‌شود. رشد هویت از دیدگاه برزونسکی شامل تعامل میان فرایند جذب اصول، کنترل ساختار هویت و انطباق در یک بافت اجتماعی است. افراد در فرایندی که توسط آن هنجارهای هویت درونی مورد استفاده قرار

دارای راهبردهای مسأله‌مدارند، احساس یکپارچگی در خود می‌کنند، معمولاً قضاوت‌ها را به تعویق می‌اندازند، اهداف شغلی و تحصیلی روشن و انتظار عملکرد تحصیلی بالا دارند و نسبت به اهداف استوار خود متعهد هستند (برزونسکی، تامی، کینی و نورمی^۱، ۱۹۹۷). افراد با سبک هویت هنجاری ارزش‌ها و ملاک‌های دیگران را درونی می‌کنند، احتیاج به سازمان‌دهی بیرونی دارند، تمایل به اطلاعاتی دارند که مطابق با ارزش‌هایشان است، ذهنی بسته دارند، به توصیه‌های منابع قدرت در زمان تصمیم‌گیری توجه می‌کنند و به صورت خودکار و بدون خودارزیابی ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کنند. افراد با سبک مغشوش-اجتنابی از راهبردهای هیجان‌مدار استفاده کرده، از موقعیت تصمیم‌گیری اجتناب می‌کنند، در تصمیم‌گیری خود بیشتر بر مقتضیات و پیامدهای محیطی تأکید دارند، رفتارشان الگوی مشخصی ندارد، خودآگاهی محدودی دارند و دارای راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمد هستند.

اریکسون (۱۹۶۳) نتیجه دست‌یابی افراد به هویت استوار را ایجاد تعهد نسبت به ارزش‌ها و اهداف می‌داند. برزونسکی (۲۰۰۳) نیز تعهد را چارچوب ارجاعی هدفدار در نظر می‌گیرد که رفتارها و بازخوردها در درون آن مورد بازبینی قرار می‌گیرند. این چارچوب به کنترل، ارزیابی و نظم‌دهی رفتار می‌پردازد. تعهد، موجب وضوح ملاک‌ها، اهداف، عقاید و ارزش‌هایی می‌شود که افراد به آن‌ها علاقه دارند و خواستار حفظ آن‌ها هستند؛ به این ترتیب افراد احساس هدف‌مندی و جهت‌مندی می‌کنند. تعهد هدفمند و ملاک‌های آشکار، نقش مؤثری در سازگاری افراد دارند.

برمن (۲۰۰۱)؛ به نقل از شوارتز، (۲۰۰۱) به بررسی رابطه تفکر انتقادی و پایگاه هویت پرداخت. بر اساس یافته‌های وی هویت پیش‌رس با مهارت‌های تفکر انتقادی رابطه ضعیف دارد و افراد با هویت دیررس و موفق تقریباً از سطح بالایی از تفکر انتقادی برخوردارند. در پژوهشی که توسط شوارتز و کرتینز (۲۰۰۵) صورت گرفت، تفکر انتقادی به گروه آزمایش، آموزش داده شد. این افراد در مقایسه با افراد گروه کنترل به "خوداکتشافی"^۲ رسیده بودند. از طریق برنامه مداخله‌ای که توسط کرتینز، بریونز و بوسل^۳ (۲۰۰۲) انجام شد، مهارت‌های حل مسأله، تفکر انتقادی، احساس کنترل و مسئولیت‌پذیری افراد در قبال زندگی

4. Soenens, B., Duriez, B., & Goossenes, L.

5. Sullivan, C.

6. Simpson, E., & Courtney, M.

1. Tammi, K., Kinny, A., & Nurmi, J.

2. self-discovery

3. Briones, E., & Bussell, J.

کاوش‌گری فرایند زیربنایی تعهد است که از طریق خلاقیت (در نظر گرفتن انتخاب‌های بدیل)، تعلیق در قضاوت و ارزیابی انتقادی (پذیرش دیدگاه‌های چندگانه) تمایل به تغییر را تسهیل می‌کند. از نظر کرتینز و همکاران (۲۰۰۲)، اشکال سطح بالای شناختی (تفکر انتقادی) می‌تواند تسهیل‌کننده فرایند کاوش‌گری باشد. الگوی مفهومی زیر (شکل ۱)، روابط مورد بررسی را نشان می‌دهد.

روش

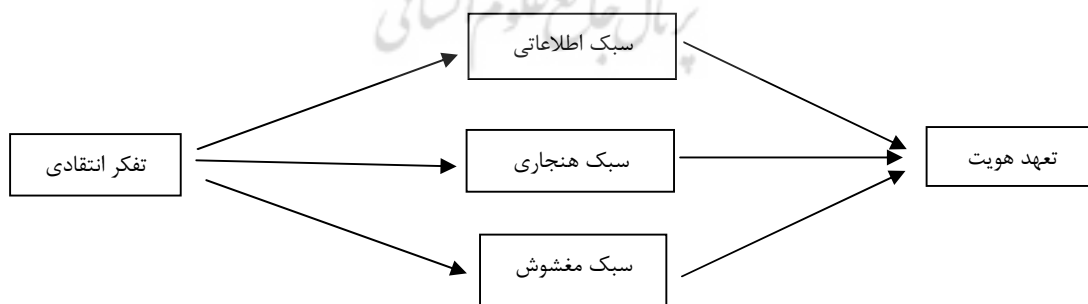
جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: از میان کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم رشته ریاضی-فیزیک دبیرستان‌های دولتی شهر تهران در سال ۸۶-۱۳۸۵ (در حدود ۳۷۵۳۴) نمونه‌ای متشکل از ۴۰۰ نفر با میانگین سنی ۱۷/۵ و انحراف استاندارد ۰/۳۶ (۲۰۰ دختر و ۲۰۰ پسر) به‌طور تصادفی انتخاب شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد. از میان مناطق ۲۰ گانه آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۱۱ و ۶ انتخاب و از میان دبیرستان‌های این مناطق به‌صورت تصادفی ۸ دبیرستان دخترانه و ۸ دبیرستان پسرانه انتخاب شدند. سپس با انتخاب یک کلاس سوم ریاضی از هر مدرسه، ۲۵ دانش‌آموز از هر کلاس به‌صورت تصادفی در پژوهش شرکت کردند. بعد از انتخاب تصادفی آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های سبک هویت و تفکر انتقادی در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. ارائه سؤال‌های پرسشنامه به‌صورت تصادفی تنظیم شده بود.

می‌گیرند و روشی که در آن رفتار تنظیم می‌شود با هم متفاوتند (برزونسکی، ۱۹۹۷). اثربخشی سازه‌های خود (هنجارهای هویت، ارزش‌ها) به پایش، ارزیابی و بازبینی مستمر آن‌ها وابسته است. هنجارهای افراد با سبک هنجاری به‌طور نسبی ثابت است، زیرا آنان نسبت به آنچه موجب تغییر در هنجارهای‌شان می‌شود مخالفت می‌کنند. در مقابل افراد با سبک اطلاعاتی، بازبینی در هنجارهای هویت را بنیان یکپارچگی خود می‌دانند. افراد با سبک مغشوش-اجتنابی فاقد هنجارهای خود هستند و بنابراین نیازی به بازبینی و پایش آن نمی‌بینند (برزونسکی، ۱۹۹۰/۱۹۹۷). با توجه به دیدگاه برزونسکی به‌نظر می‌رسد که سبک هویت اطلاعاتی با تمایلات تفکر انتقادی رابطه داشته باشد.

تعهد به عنوان چارچوب ارجاعی جهت‌دار و هدفمند هویت است که رفتارها و بازخوردها در درون این چارچوب ارزیابی، کنترل و تنظیم می‌شوند (برزونسکی، ۲۰۰۳). تعهد بالاترین مرحله از تحول تفکر انتقادی نیز محسوب می‌شود.

با توجه به دیدگاه برزونسکی در مورد سبک‌های پردازش هویت و ویژگی‌های تفکر انتقادی، فرضیه ما آن است که نوع ارتباط تفکر انتقادی با انواع سبک‌های پردازش هویت متفاوت است. افراد با توانایی تفکر انتقادی بالا دارای سبک هویت اطلاعاتی هستند، در این گروه عنصر بازبینی، پایش و ارزیابی هنجارها و دیدگاه‌ها مشترک است.

از سوی دیگر، تعهد به عنوان پیامد هویت و بالاترین مرحله تحول تفکر انتقادی محسوب می‌شود. بنابراین فرضیه دیگر آن است که تفکر انتقادی از طریق سبک‌های پردازش هویت بر تعهد اثر می‌گذارد. بر اساس نظر برمن و همکاران (۲۰۰۲)، کاوش‌گری فرایند بررسی، کشف و بازبینی "احساس خود" است.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

ابزار سنجش

مقیاس گرایش‌های تفکر انتقادی: پرسشنامه گرایش‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا^۱ توسط پیتر فشیون، نورن فشیون و گیانکارلو^۲ (۲۰۰۱) تهیه شده است. زیربنای نظری مقیاس حاضر، نظریه خودگردانی ذهنی^۳ است. این آزمون به ارزیابی حیطه خلق و خوی تفکر انتقادی می‌پردازد. از ۷ خرده مقیاس تشکیل شده است که عبارتند از: تحلیل‌گری، نظام‌مندی، کنجکاوی، آزاداندیشی، اعتماد به توانایی تفکر خود، جستجوگری حقایق و رشد قضاوت و هر هفت خرده مقیاس متشکل از ۱۲-۹ گویه است که در کل ۷۵ گویه می‌شود. پیوستار پاسخ‌ها در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۶ "کاملاً موافقم" تا ۱ "کاملاً مخالفم" تنظیم شده است. ضرایب پایایی مقیاس حاضر در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تحلیل‌گری ۰/۶۷، کنجکاوی ۰/۷۵، اعتماد به توانایی تفکر خود ۰/۵۵، رشد قضاوت ۰/۶۸، جستجوگری حقایق ۰/۷۵ و آزاداندیشی ۰/۶۰ به‌دست آمد. میانگین آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۸ برآورد شده است.

به منظور تعیین روایی مقیاس حاضر از روش تحلیل عامل^۴ استفاده شد. نتایج تحلیل عامل به روش مؤلفه اصلی^۵ با چرخش واریماکس^۶ وجود ۷ عامل در گویه‌ها را تأیید نمود. ملاک استخراج عوامل شیب اسکری^۷ و ارزش ویژه، بالاتر از یک بود. از مجموعه گویه‌ها، دو گویه از خرده مقیاس تحلیل‌گری، سه گویه از خرده مقیاس نظام‌مندی، دو گویه از خرده مقیاس کنجکاوی، یک گویه از خرده مقیاس اعتماد به تفکر انتقادی خود، سه گویه از خرده مقیاس رشد قضاوت، یک گویه از خرده مقیاس جستجوگری حقایق و سه گویه از خرده مقیاس آزاداندیشی به دلیل پایین بودن بار عاملی یا تداخل گویه‌ها در چند عامل حذف شدند. در نهایت از مجموعه ۷۵ گویه، ۶۰ گویه باقی مانده است.

مقدار ضریب KMO^۸ برابر ۰/۷۷ و ضریب کرویت بارتلت^۹ برابر ۶۰۳۶/۰۰۹ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ بود که نشان از کفایت نمونه‌گیری و ماتریس همبستگی گویه‌ها داشت. در جدول شماره ۱ نتایج تحلیل عاملی این پرسشنامه آورده شده است. به منظور تأیید عامل‌های استخراج شده از مقیاس ۶۰ سؤالی، تحلیل عامل تأییدی^{۱۰} با استفاده از نرم‌افزار لیزرل انجام شد. شاخص‌های نیکویی برازش اندازه‌گیری تفکر انتقادی (مجذور کای^{۱۱} (χ²))، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب^{۱۲} (RMSEA)، شاخص نیکویی برازش^{۱۳} و شاخص تعدیل‌شده نیکویی برازش^{۱۴} (AGFI)) در جدول ۲ ارائه شده است. شاخص نیکویی برازش با توجه به مقادیر آن (جدول ۲) نشان‌دهنده برازش خوب الگو داده‌های مشاهده شده است. مقیاس سبک‌های هویت: پرسشنامه سبک‌های هویت^{۱۵} اولین بار توسط برزونسکی در سال ۱۹۸۹ ساخته شد و پس از آن در سال ۱۹۹۲ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این مقیاس شامل ۴۰ گویه است. ۱۱ گویه آن به سبک اطلاعاتی، ۱۰ گویه به سبک مغشوش-اجتنابی، ۹ گویه به سبک هنجاری و ۱۰ گویه به تعهد هویت اختصاص دارد. مقیاس حاضر براساس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ "کاملاً مخالفم" تا ۵ "کاملاً موافقم" نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) برای سبک اطلاعاتی ۰/۶۵، سبک هنجاری ۰/۶۰، سبک مغشوش-اجتنابی ۰/۶۳ و تعهد هویت ۰/۷۰، به‌دست آمد. به منظور شناسایی و تأیید عوامل اندازه‌گیری سازه سبک‌های هویت از تحلیل عامل تأییدی استفاده شد (جدول ۳). مقادیر به‌دست آمده، نشان‌دهنده برازش مناسب الگو است.

8. Kaiser-Meyer-Olkin
9. Bartlett test of sphericity
10. confirmatory factor analysis
11. chi square
12. Root Mean Square Error of Approximation
13. Goodness of Fit Index
14. Adjusted Goodness of Fit Index
15. (ISI-3)

1. California Critical Thinking Disposition Inventory (CCTDI)
2. Giancarlo, C.
3. mental self-government
4. exploratory factor analysis
5. principle component analysis
6. varimax rotation
7. scree

جدول ۱- نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس گرایش‌های تفکر انتقادی

عامل						
سؤال	تحلیل‌گری	نظام‌مندی	کنجکاوی	جستجوگری	آزاداندیشی	اعتماد به تفکر انتقادی خود
۳۸	۰/۵۶					
۵۷	۰/۵۲					
۳۱	۰/۴۹					
۳۰	۰/۴۸					
۲۶	۰/۴۶					
۵۵	۰/۴۴					
۴۴	۰/۴۰					
۲۹	۰/۳۸					
۴۳	۰/۳۹					
۷۴	۰/۳۲					
۶۹		۰/۶۳				
۵۶		۰/۵۸				
۲۷		۰/۵۴				
۵۴		۰/۵۳				
۶۳		۰/۴۳				
۴۶		۰/۳۷				
۴۲		۰/۳۷				
۴۹		۰/۳۳				
۶۰			۰/۴۸			
۷۲			۰/۴۷			
۶۲			۰/۴۳			
۷۱			۰/۴۱			
۳۷			۰/۴۰			
۳۲			۰/۳۹			
۶۱			۰/۳۸			
۶۴			۰/۳۶			
۷۳			۰/۳۵			
۵۸			۰/۳۴			
۶۷			۰/۳۲			
۴۱			۰/۳۰			
۵۰				۰/۵۴		
۴۸				۰/۳۸		
۷۵				۰/۳۴		
۳۳				۰/۳۴		
۵۵				-۰/۳۳		
۳۴					۰/۴۹	
۶۶					۰/۳۵	
۴۰						۰/۴۷
۷۰						۰/۴۵
۵۲						۰/۳۴
۳۹						۰/۳۳
۶۵						۰/۵۳
۵۹						۰/۴۹
۵۱						۰/۳۳
۴۵						۰/۳۳

جدول ۲- شاخص‌های نیکویی برازش اندازه‌گیری مقیاس تفکر انتقادی

شاخص	X ²	X ² /df	RMSEA	GFI	AGFI
ضرایب	۲۵۵۲/۸۷	۱۴۶۳	۰/۰۴	۰/۸۰	۰/۷۸

جدول ۳- شاخص‌های نیکویی برازش الگو اندازه گیری سبک‌های هویت

شاخص	X ²	X ² /df	RMSEA	GFI	AGFI
ضرایب	۱۶۸۸	۵۸۸	۰/۰۷	۰/۸۰	۰/۷۸

یافته‌ها

جهت آزمون اعتبار یک نظریه در مورد روابط علی بین سه یا چند متغیر از تحلیل مسیر^۱ استفاده می‌کنند، که با استفاده از یک طرح پژوهش همبستگی انجام می‌شود. هدف از تحلیل مسیر آزمون نظریه‌ها در مورد روابط علی فرضی بین متغیرها است. روش تحلیل مسیر نه فقط برای ایجاد نظریه که برای اعتبار آن نیز سودمند است (گال، بورگ و گال، ۱۹۹۶/۱۳۸۲).

الگوی پژوهش حاضر، الگوی بازگشتی است، زیرا فقط روابط علی یک‌جهتی را در نظر می‌گیرد. تفکر انتقادی متغیر برون‌زاد^۲ و تعهد هویت و سبک‌های هویت متغیر درون‌زاد^۳ است. مبنای تجزیه و تحلیل مدل‌های علی، ماتریس همبستگی است. ماتریس همبستگی متغیرهای مورد بررسی در جدول ۴ ارائه می‌شود.

جدول ۴- ماتریس همبستگی متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	
۱ سبک اطلاعاتی	-												
۲ سبک هنجاری	**۰/۴۳	-											
۳ سبک معشوش	**۰/۲۵	*-۰/۱۱	-										
۴ تعهد هویت	**۰/۴۷	**۰/۴۶	**۰/۳۴	-									
۵ تحلیل‌گری	**۰/۴۰	**۰/۲۳	**۰/۲۸	**۰/۲۹	-								
۶ نظام‌مندی	**۰/۴۱	**۰/۲۴	**۰/۱۵	**۰/۳۴	**۰/۳۵	-							
۷ کنجکاوی	**۰/۳۴	**۰/۲۱	**۰/۱۲	**۰/۳۵	**۰/۴۶	**۰/۴۳	-						
۸ اعتماد به توانایی تفکر انتقادی خود	**۰/۳۶	**۰/۱۴	**۰/۲۰	*۰/۲۷	**۰/۳۹	**۰/۳۸	**۰/۳۴	-					
۹ رشد قضاوت	**۰/۱۵	*-۰/۱۲	-۰/۲۷	**۰/۰۱	**۰/۱۷	*۰/۱۰	**۰/۱۴	*-۰/۱۲	-				
۱۰ جستجوی حقایق	**۰/۳۷	۰/۰۲	**۰/۱۶	**۰/۳۰	**۰/۲۳	-۰/۰۸	**۰/۱۹	**۰/۱۶	۰/۰۸	-			
۱۱ آزاداندیشی	**۰/۱۶	۰/۰۲	-۰/۸۰	-۰/۱۶	**۰/۲۵	-۰/۰۹	**۰/۱۷	-۰/۰۲	۰/۰۹	**۰/۳۹	-		
۱۲ نمره کلی تفکر انتقادی	**۰/۴۰	**۰/۲۹	-۰/۰۴	**۰/۱۸	**۰/۵۱	**۰/۶۱	**۰/۶۰	**۰/۵۷	**۰/۴۸	**۰/۳۰	**۰/۳۰	-	

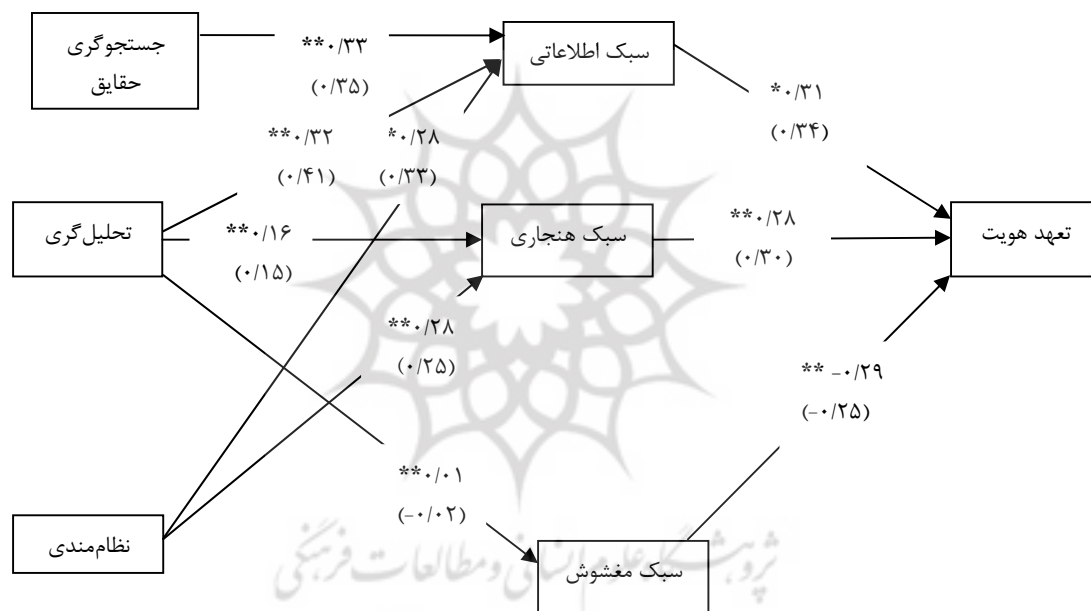
* P < ۰/۰۵ ** P < ۰/۰۱ n=۴۰۰

2. exogenous variable
3. endogenous variable

1. path analysis

با توجه به داده‌های جدول ۴ میان تفکر انتقادی و سبک هویت اطلاعاتی ($r=0/40$) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. سبک اطلاعاتی با مؤلفه‌های تفکر انتقادی مانند خرده مقیاس نظام‌مندی ($r=0/41$)، تحلیل‌گری ($r=0/40$) و جستجوگری حقایق ($r=0/37$) بیشترین میزان همبستگی را دارد. از طرفی، میان تفکر انتقادی و سبک هویت هنجاری ($r=-0/29$) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ البته همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این رابطه نسبت به رابطه هویت اطلاعاتی کمتر است. سبک هنجاری با مؤلفه‌های تفکر انتقادی مانند نظام‌مندی ($r=0/24$)، تحلیل‌گری ($r=0/23$) رابطه مثبت و معنادار و سبک مغشوش-اجتنابی با تفکر انتقادی ($r=-0/04$) رابطه منفی دارد. تعهد هویت با سبک هویت اطلاعاتی ($r=0/47$) و سبک هنجاری ($r=0/46$) رابطه مثبت و با سبک مغشوش-اجتنابی

با توجه به داده‌های جدول ۴ میان تفکر انتقادی و سبک هویت اطلاعاتی ($r=0/40$) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. سبک اطلاعاتی با مؤلفه‌های تفکر انتقادی مانند خرده مقیاس نظام‌مندی ($r=0/41$)، تحلیل‌گری ($r=0/40$) و جستجوگری حقایق ($r=0/37$) بیشترین میزان همبستگی را دارد. از طرفی، میان تفکر انتقادی و سبک هویت هنجاری ($r=-0/29$) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ البته همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این رابطه نسبت به رابطه هویت اطلاعاتی کمتر است. سبک هنجاری با مؤلفه‌های تفکر انتقادی مانند نظام‌مندی ($r=0/24$)، تحلیل‌گری ($r=0/23$) رابطه مثبت و معنادار و سبک مغشوش-اجتنابی با تفکر انتقادی ($r=-0/04$) رابطه منفی دارد. تعهد هویت با سبک هویت اطلاعاتی ($r=0/47$) و سبک هنجاری ($r=0/46$) رابطه مثبت و با سبک مغشوش-اجتنابی



** $p < 0/01$

شکل ۲- مدل برازش شده تحلیل مسیر

مؤلفه‌های تفکر انتقادی به عنوان متغیرهای برون‌زاد پژوهش، از طریق سبک‌های هویت بر تعهد هویت تأثیر می‌گذارند و ترتیب میزان اثر این‌گونه است: نظام‌مندی ($0/18$)، تحلیل‌گری ($0/12$) و جستجوگری حقایق ($-0/09$) از میان متغیرهای مستقل درون‌زاد، سبک هویت دارای اثر مستقیم بر تعهد هویت است. در بررسی و مقایسه اثرات کل متغیرهای اشاره شده به این نتیجه می‌رسیم که سبک هویت اطلاعاتی ($0/34$) و سبک هنجاری ($0/28$) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر تعهد هویت داشته

اعداد روی مسیر، برآورد پارامتر و اعداد داخل پرانتز، پارامتر استاندارد شده‌اند. مطابق شکل ۲ از میان مسیرهای موجود در مدل، تنها دو مسیر میان تحلیل‌گری به سبک مغشوش-اجتنابی ($-0/02$) و سبک مغشوش-اجتنابی به تعهد ($-0/25$) ضرایب کوچکی هستند. تمام مسیرها در سطح $0/01$ معنادار است. به‌طور کلی، در میان متغیرهای موجود در مدل، تحلیل‌گری بیشترین اثر مستقیم را بر سبک هویت اطلاعاتی ($0/41$) و سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد هویت ($0/34$) دارد.

سبک هنجاری و سبک مغشوش توسط متغیرهای برون‌زاد پژوهش به ترتیب، ۰/۵۷، ۰/۴۸ و ۰/۳۵ است. در جدول ۵ برآورد اثرات غیرمستقیم و اثرات کل گزارش می‌شود.

و سبک مغشوش- اجتنابی تاثیر مستقیم و معکوس بر تعهد هویت دارد. در مدل مفروض سبک‌های هویت نقش واسطه‌گری را میان مؤلفه‌های تفکر انتقادی و تعهد هویت ایفا کرده‌اند. مدل حاضر ۶۰ درصد از واریانس تعهد هویت را تبیین کرده است. مقدار واریانس تبیین‌شده از متغیرهای سبک اطلاعاتی،

جدول ۵- برآورد ضرایب اثر غیرمستقیم و اثرات کل مدل اولیه

متغیر	اثر غیرمستقیم		اثرات کل	
	برآورد پارامتر استاندارد شده	پارامتر استاندارد شده	برآورد پارامتر	پارامتر استاندارد شده
بر سبک هویت اطلاعات				۰/۵۷
جستجوگری حقایق		۰/۴۳		۰/۳۳
نظام‌مندی		۰/۴۵		۰/۳۹
تحلیل‌گری		۰/۱۵		۰/۲۳
بر سبک هویت هنجاری				۰/۴۸
نظام‌مندی		۰/۲۵		۰/۲۸
تحلیل‌گری		۰/۲۰		۰/۲۱
بر سبک هویت مغشوش				۰/۳۵
تحلیل‌گری		-۰/۰۲		-۰/۰۱
بر تعهد هویت				۰/۶۰
جستجوگری حقایق	-۰/۰۸	-۰/۰۹	-۰/۰۸	-۰/۰۹
نظام‌مندی	۰/۲۸	۰/۱۸	۰/۲۸	۰/۱۸
تحلیل‌گری	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۱۲
سبک هویت اطلاعاتی				۰/۳۴
سبک هویت هنجاری				۰/۲۸
سبک هویت مغشوش				-۰/۲۹

اثرات غیرمستقیم و اثرات کل مؤلفه‌های تفکر انتقادی بر سبک‌های هویت و تعهد هویت در سطح ۰/۰۱ معنادار است. گرفته است. جدول ۶ مشخصه‌های نكویی برازش مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۶- مشخصه‌های نیکویی برازش مدل اولیه

شاخص	X ²	X ² /df	RMSEA	GFI	AGFI
ضرایب	۴۰/۷۲	۱۱	۰/۰۷	۰/۹۱	۰/۸۹

مجدورات تقریب، در سطحی مناسب هستند. نتایج نشان می‌دهد که مدل با داده‌ها برازشی مناسب دارد.

با توجه به جدول شاخص‌های برازش مدل، شاخص‌های نیکویی برازش، شاخص تعدیل شده نیکویی برازش، ریشه خطای میانگین

ارزیابی در این پیروی نقش ایفا می‌کند (برزونسکی، ۲۰۰۴). با توجه به مطالب اشاره شده مشاهده می‌شود که افراد با سبک هویت هنجاری از یک سو تمایل به نظام‌مندی و سازمان‌دهی امور دارند و از سوی دیگر به تحلیل‌گری و آگاهی از مسائل گرایش نشان می‌دهند. نظام‌مندی به نوعی با تعهد مرتبط است و در تحلیل‌گری فرد با توجه به منابع موثق در پی راه‌حل‌های اثربخش می‌باشد. به نظر می‌رسد که این منابع در افراد با سبک هویت هنجاری، گروه‌های مرجع و دوستان بوده و نظام‌مندی آنان نیز از انعطاف کمتری برخوردار است. بر اساس یافته‌ها، جستجوگری هیچ تأثیری بر سبک هویت هنجاری ندارد. این یافته در راستای نظریه برزونسکی بوده و به خوبی نشان می‌دهد که کاوش‌گری در افراد هنجاری بسیار پایین بوده و آنان کمتر در پی بازبینی اطلاعات هستند.

مؤلفه‌های تفکر انتقادی بر سبک هویت مغشوش-اجتنابی اثر مستقیم و معکوس دارند. علت این امر شاید آن باشد که افراد با هویت مغشوش-اجتنابی در تصمیم‌گیری‌ها بیشتر به مقصیبات و پیامدهای محیطی تاکید داشته و از راهبردهای نامطلوب استفاده می‌کنند، خودآگاهی محدود دارند و به‌کارگیری آن‌ها از راهبردهای اسنادی و شناختی توسط آن‌ها ناکارآمد است. بنابراین طبیعی است که تفکر انتقادی اثر معکوس بر هویت مغشوش-اجتنابی داشته باشد.

از دیگر نتایج به دست آمده تأثیر مستقیم و معنادار سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری هویت بر تعهد هویت است. این یافته تأییدی بر نظریه هویت برزونسکی محسوب می‌شود. افراد با سبک اطلاعاتی و هنجاری دارای تعهد قوی‌تر در مقایسه با افراد دارای سبک مغشوش-اجتنابی هستند. البته تعهد در افراد با سبک هویت اطلاعاتی به صورت تعهد شناختی و مبتنی بر جستجوگری است و متشکل از دامنه‌ای از نقطه نظرات و باورهایی است که به صورت شناختی و به دقت درون شبکه‌ای منسجم از عقاید و باورهای منطقی پایه‌ریزی شده‌اند. اما تعهد در سبک هنجاری بدون پردازش نقادانه و ارزیابی اطلاعات مرتبط صورت می‌گیرد. همان‌طور که در مدل ملاحظه می‌کنیم سبک هویت مغشوش-اجتنابی تأثیر معنادار و منفی بر تعهد هویت دارد. یافته‌های حاضر با نتایج پژوهش برزونسکی (۲۰۰۳) همسو است؛ وی بیان می‌دارد که افراد با سبک مغشوش-اجتنابی در یک موقعیت به شدت آسیب‌پذیر قرار دارند، زیرا فاقد تعهد هویت هستند و به همین علت رفتارهای مشکل‌دار و مسائلی از قبیل

نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان می‌دهد که مؤلفه‌های تفکر انتقادی (جستجوگری حقایق، نظام‌مندی و تحلیل‌گری) بر سبک هویت اطلاعاتی تأثیری مستقیم و معنادار دارد. جستجوگری با تمایل به جستجوی حقایق و شجاعت پرسیدن سؤالات و مسایل مختلف رابطه دارد. افراد با تمایل به جستجوگری معمولاً در انتخاب و به‌کارگیری ملاک‌ها و معیارها مسئولیت داشته و در شناسایی انواع مختلف عقاید و باورها انعطاف پذیرند. ملاحظه می‌شود که عنصر مهم در جستجوگری برخورداری از روحیه کاوش‌گری بالاست. مؤلفه دیگر تفکر انتقادی که بر سبک هویت اطلاعاتی موثر است، نظام‌مندی است. افراد با این تمایل به سازمان‌دهی مسائل می‌پردازند و این عمل را با انتخاب یک راهبرد مناسب و استفاده از آن انجام می‌دهند. به عبارتی این افراد توان انتخاب راهبرد بهینه را دارند و از یک چارچوب ارجاعی استفاده می‌کنند. مؤلفه تحلیل‌گری اشاره به تمایل افراد به آگاهی از مسائل و بررسی هوشیارانه آن‌ها دارد. افراد با تمایل به تحلیل‌گری در برابر مسائل و مشکلات، استقامت می‌کنند و در پی راه‌حل اثربخش برای رفع آن‌ها هستند (فشیون، ۲۰۰۱). نکته مهم در این افراد استقامت در برابر مشکلات و توجه به منابع موثق برای حل مسائل است.

به‌روشنی مشاهده می‌کنیم که گرایش‌های اشاره شده با ویژگی کاوش‌گری، مسأله‌مداری و خودتنظیمی در نوجوانان با سبک هویت اطلاعاتی همراه است. همان‌طور که مطرح شد افراد با سبک هویت اطلاعاتی در برخورد با مسائل و مشکلات به شیوه کنشی عمل می‌کنند، کنکاش‌های هدفمند دارند و به ارزیابی و نقادی در تفکر خویش می‌پردازند (برزونسکی، ۲۰۰۳/۲۰۰۴)؛ بنابراین می‌توان گفت زمانی که افراد تمایل به جستجوگری، نظام‌مندی و تحلیل‌گری در برخورد با مسائل داشته باشند می‌توانند به خوبی به پردازش اطلاعات مرتبط با خود نیز پردازند و سبک هویت اطلاعاتی داشته باشند.

از دیگر نتایج این پژوهش تأثیر مستقیم و معنادار مؤلفه‌های تفکر انتقادی (نظام‌مندی و تحلیل‌گری) بر سبک هویت هنجاری است. افراد با سبک هویت هنجاری با ویژگی‌هایی همچون وظیفه‌شناسی، کمک‌خواهی، مقاومت در برابر ابهام، میل شدید به ساختارمندی قضایا، و عدم تمایل به بررسی ارزش‌ها و باورهای ناهماهنگ با خود، شناسایی می‌شوند. به‌طور کلی افراد با سبک هویت هنجاری از موقعیت سازمان یافته استقبال کرده و از آن پیروی می‌کنند. البته این پیروی کورکورانه نیست و تا حدودی

روحیه کاوش‌گری در آن‌ها تقویت شود. با این آموزش‌ها می‌توان در جهت‌دهی هویت آنان به سمت هویت اطلاعاتی نیز اقدام نمود.

مراجع

شعبانی، حسن (۱۳۸۲). روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس (۱۹۹۶). روش تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمد رضا نصر؛ حمید رضا عریضی؛ محمود ابوالقاسمی؛ محمد پاک سرشت؛ علیرضا کیامنش؛ خسرو باقری؛ محمد خیر؛ منیجه شهنی و زهره خسروی (۱۳۸۲). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و دانشگاه شهید بهشتی.

مایرز، چت (۱۹۴۲). آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ایلی (۱۳۸۳). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

مارینوز، رابرت؛ رنکین، استوارت؛ سومپوز، کارلین؛ برنت، رونالد (۱۹۸۶). ابعاد تفکر در برنامه درسی و تدریس. ترجمه قدسی احقر (۱۳۸۰). تهران: انتشارات یس‌طرون.

اختلالات خوردن، مشکلات مربوط به مدرسه و تحصیل، و واکنش‌های روان‌نژند و افسردگی را تجربه می‌کنند.

بررسی اثرات واسطه‌ای سبک‌های پردازش هویت نشان می‌دهد که مؤلفه‌های تفکر انتقادی (جستجوگری حقایق، نظام‌مندی و تحلیل‌گری) به واسطه سبک‌های پردازش هویت بر تعهد هویت تأثیر دارند. همان‌طور که مطرح شد افراد با استفاده از توانایی‌ها، مهارت‌ها و تمایلات تفکر انتقادی قادر به جستجو و پردازش فعالانه اطلاعات مربوط به "خود" می‌شوند و به این ترتیب، به واسطه سبک هویت اطلاعاتی به تعهد می‌رسند و از این طریق به ارزیابی و تنظیم اطلاعات مختلف می‌پردازند. این امر را در سبک هویت هنجاری نیز می‌توان مشاهده کرد. البته همان‌طور که مشاهده شد تعهد هویت در سبک هنجاری متفاوت با سبک هویت اطلاعاتی است. همان‌طور که در مدل مشاهده می‌شود رابطه تفکر انتقادی با سبک هویت مغشوش-اجتنابی منفی و معنادار است و این سبک نقش واسطه‌ای نیز در ارتباط با تفکر انتقادی و تعهد هویت ایفا می‌کند. این یافته کاملاً در راستای دیدگاه برزونسکی بوده و نشان می‌دهد که افراد با سبک مغشوش-اجتنابی از مهارت‌های مناسب تفکر و تجزیه و تحلیل امور برخوردار نبوده و قادر به استفاده از راهبردهای تنظیم و پایش "خود" نمی‌باشند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش لازم است که آموزش مهارت‌ها و گرایش‌های تفکر انتقادی در برنامه آموزش و پرورش قرار گیرد تا نوجوانان با تفکر انتقادی به بررسی مسائل پرداخته و

Berman, A., Schwartz, S., & Kurtines, W. (2002). The process of exploration in identity formation: The role of style and competence. *Journal of Adolescence, 24*, 573-528.

Berzonsky, M. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research, 4*, 268-282.

Berzonsky, M. (1990). Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation. In G. J. Neimeyer, & R. A. Neimeyer (Eds.). *Advances in personal construct psychology* (pp. 155-186), Greenwich, CT: JAI Press.

Berzonsky, M. (1992). Identity style and five-factor model of personality. *Journal of Adolescence, 60*, 771-788.

Berzonsky, M. (1997). Identity development, control theory, and self-regulation: An individual differences perspective. *Journal of Adolescence Research, 12*, 347-353.

Berzonsky, M. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter. *Journal of Theory and Research, 3*, 131-142.

Berzonsky, M. (2004). Identity processing style, self-construction and personal epistemic assumption: A social-cognitive perspective. *Journal of Development Psychological, 4*, 303-375.

Berzonsky, M., Tammi, K., Kinny, A., & Nurmi, J. (1997). Identity processing orientation, cognitive and behavioral strategies and well-being. *International Journal of Behavioral Development, 21*, 233-301.

Berzonsky, M., & Sullivan, C. (1992). Social-cognitive aspect of identity style: Need for cognition experiential openness, and introspection. *Journal of Adolescent Research, 7*, 140-155.

Beyer, K. (1985). *Critical thinking*, Bloomington: kappa educational foundation.

- Brookfield, S. (1987). *Developing critical thinking*, Milton Keynes: Open University Press.
- Duriez, B., & Soenens, B. (2006). Personality, identity styles, and religiosity: An integrative study among late and middle adolescents. *Journal of Adolescence*, 29, 119-135.
- Ennis, R. (1987). A taxonomy of critical thinking dispositions and abilities. In J. Baron, & R. Sternberg (Eds.). *Teaching Thinking Skills* (pp. 9-26), New York: W. H. Freeman.
- Erikson, E. (1963). *Childhood and society*. New York: Norton.
- Facione, P. (2001). A look across four years at the disposition toward critical thinking among undergraduate student. *Journal of General Education*, 50, 29-55.
- Facione, P., & Facione, N. (2007). *The California Critical Thinking Disposition Inventory (CCTDI)*. California: Academic Press.
- Facione, P., Facione, N., & Giancarlo, C. (2001). *The California Critical Thinking Disposition Inventory (CCTDI)*. California: Academic Press.
- Fisher, A. (2002). *What is critical thinking it?* Retrieved March 12, 2008, from <http://www.cambridge.org>.
- Kurtines, W., Briones, E., & Bussell, J. (2002). Promoting identity development in marginalized youth. *Journal of Adolescent Research*, 17, 112-127.
- Paul, R. (1987). Dialogical thinking- critical thought essential to the acquisition of rational knowledge and passions. In J. Baron and R. Sternberg (Eds.). *Teaching Thinking Skills* (pp. 127-148), New York: F. W. Freeman.
- Paul, R. (1993). *Critical thinking: What every student need to survive in rapidly changing world*. Retrieved March 16, 2008, from <http://www.criticalthinking.org>.
- Schwartz, S. (2001). The evaluation of Eriksonian and neo-Eriksonian identity theory and research: Overview and integration. *Journal of Theory and Research*, 1, 7-58.
- Schwartz, S., & Kurtines, W. (2005). A comparison of two approaches for facility identity exploration process in emerging adult. *Journal of Adult Research*, 20, 220-247.
- Simpson, E., & Courtney, M. (2002). Critical thinking in nursing education: Literature review. *Journal of Nursing Practices*, 8, 89-98.
- Soenens, B., Duriez, B., & Goossens, L. (2005). Social-psychological profiles of identity style: Attitudinal and social-cognitive correlates in late adolescence. *Journal of Adolescence*, 28, 107-125.

